

حاجی را - صولت جنگ تصور کرده - بگمان خود کارش تمام ساختند - و راه گریز پیش گرفتند * بحسب تقدیر بمجرد رسیدن سنان بردست و بازوی حاجی - خنجرش از دست افتاد - و فریاد زدی زدی برکشید - (و) درون رتّه بغلطید - صولت جنگ - که پیمانۀ عمرش لبریز نشده بود - بسلامت ماند * چون افواج افغانه بغارت و تاراج مفرزمان مشغول بودند - میر محمد جعفر خان بهادر و محمد امین خان بهادر - با معدودی چند - در قافله فراریان رسیده - سعید احمد خان صولت جنگ جویان بهر طرف می گردیدند - و صولت جنگ از بیم جان - که مبادا حریفی جست و جو می کرده باشد - دم بر نمی آورد * چون محمد امین خان متصل شد - آرازش شفاخته جواب داد * خان مذکور باستماع جواب - فی الحال پرده رتّه را دریده - و طنابها را بریده - او را برآورد - و از اسب فرود آمده معانقه کرد - و میر محمد جعفر خان هم رسیده در یکدیگر بغل گیر شدند - و بر سلامتی جان او شکر ایزدی بجا آورده مراتب شادمانیها بتقدیم رسانیدند * در حالتی که آنها بمعانقه و مصافحه مشغول بودند - حاجی محمد امین فرصت دیده - سبکتر از رتّه برآمده - بر اسب محمد امین خان سوار شده - بجنگل گریخته پنهان گردید * آنها - بعد از استفسار احوال صولت جنگ - چون بر اسپان خود سوار شدند - محمد امین خان از فقدان مرکب متحیر ماند * بعد از وقوف بران حال سرمایه

حسرت اندوختند * چون افواج افغانه - از تاخت و تاراج مفروغ
 شده - نزد میر محمد جعفر خان فراهم شد - صولت جنگ را
 بحضور مهابت جنگ روانه نموده - بتعاقب میرزا محمد باقر
 پرداختند * میرزای مذکور - چون قافیه رهائی تنگ دید - برگشته
 بمقابله پرداخت - و بجنگ بان و تیر و تفنگ در پیوست * چون
 نوبت به نيزه و شمشیر رسید - مراد خان - بخشی راجه پرسوتم -
 که با جمعی کثیر رفیق میرزا باقر بود - بجد تمام عنان اسب
 میرزا گرفته از میدان جنگ بازگردانید - و راهبری نموده از راه جنگل
 روانه دکن ساخت * علی وردی خان - بملاقات صولت جنگ
 و حصول فتح مراسم شکرو سپاس بجا آورده - صولت جنگ را
 برای آسودگی به بلده کنگ رخصت نمود - و خود هم - چندی
 مقامات داشته - و از طرف حریف دلجمعی نموده - همقرین
 ظفر رایات معارفت افراشته - داخل کنگ شد * و رفقا و دوستان
 میرزا باقر را گوشمال کما ینبغی داده - و اسبان داغ میرزا باقر را
 هر قدر (که) یافت به ضبط درآورد - و شیخ معصوم را - که جماعه دار
 عمده بود - به نیابت نظامت صوبه اردیبهه مقرر ساخته -
 بعد فراغ از نظم و نسق آن ممالک به بنگاله مراجعت کرد * چون
 جگت ایسر راجه موربهنچ - رفاقت میرزا باقر اختیار نموده - تن
 باطاعت و انقیاد مهابت جنگ نداده بود - از شوخی او خلجانی
 در دل داشت - لهذا بعد ورود به بندر بالیسر - بعزم استیصال او

